

«پیشینه‌ی مذهب در نهاوند»^(۱)

دکتر علی اکبر افراسیاب پور

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی

اگر تاریخ نهاوند را جست و جو کنیم ، درمی یابیم که بیش از شش هزار سال قبل در این منطقه انسان‌های متمدنی زندگی می کرده‌اند و در عین حال مذهبی بوده‌اند . تمدن باستانی گیان نمونه‌ای از این سابقه‌ی تاریخی است . اگر این دوره را پیش از تاریخ یا قسمتی از تاریخ نهاوند پیش از اسلام فرض کنیم و به سراغ منابع و مآخذ مربوط برویم مشاهده می کنیم که دین مردم آن زمان «ودا» بوده است و ساکنان این منطقه به پرستش «ارباب انواع» می پرداختند .

این دین عبارت بوده است از پرستش خورشید ، ماه ، ستارگان ، آب ، باد ، خاک ،

۱ - انگیزه‌ی نگارنده در نگاشتن این مقاله ، موجز و مبهم بودن مطلب یک صفحه‌ای در کتاب جدید التألیف «نهاوند در هزاره های تاریخ» است (ص ۵۶۴) که تحت عنوان فصل «دین و مذهب» آمده و مؤلف محترم (آقای سید شمس الدین سیدان) بدون تصریح و تأکید به شیعه بودن مردم نهاوند تنها به نقل از مخالفان شیعه، مردم نهاوند را در گذشته مشبّه و مجسمه معرفی کرده ، ضمن این که در اعلام تعداد مسلمانان نهاوند فقط به ذکر آمار و ارقام سال‌های ۳۵ و ۴۵ پرداخته و اکتفا کرده‌اند . در این مقاله ضمن تشکر از نویسنده‌ی گرامی آن سعی شده است پیشینه‌ی مذهب نهاوند بررسی گردد .

آتش و مردگان^(۱). مطالعه‌ی این بخش از موضوع، نیاز به تحقیق جداگانه دارد. اگر دوران مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان را به عنوان دوران پیش از اسلام در تاریخ نهایند بررسی کنیم، درمی‌یابیم که مردم این منطقه به‌طور عمده دارای دین زرتشتی بوده‌اند و آثار آتشکده‌های بزرگی که به‌جا مانده، حکایت از این حقیقت دارد. هر جا در منابع تاریخی برای مردم این منطقه به «به‌دینان» و دین «بهی» اشاره شده است، همین مطلب را نشان می‌دهد.

بی‌سبب نیست که هنوز برخی از اعتقادات زرتشتی در فرهنگ نهایندی باقی مانده است. مانند احترام و سوگند به آتش و اجاق، احترام به درختان کهن سال، احترام زیاد به مردگان، افروختن آتش در بلندی، آتش بازی در شب‌های چهارشنبه‌سوری و عید نوروز باستانی و مانند آن‌ها.

در این دوران طولانی تحولات فراوانی در نهایند اتفاق افتاده که لازم است جداگانه مطالعه شود. از جمله در دوره‌ی سلوکیان و سلطه‌ی یونانیان بر نهایند که به ساختن معبد سلوکی لاؤدیه در نهایند منجر گردید، کوشش‌هایی برای تبلیغ دین جدیدی شد و پرستش شاه و ملکه‌ی سلوکی شدیداً تأکید می‌شد، اما چون تحمیلی بود هرگز مقبولیت نیافت و با انقراض سلوکیان، دین آن‌ها نیز از منطقه رخت بریست.

نکته‌ی مهم دیگر این است که در مطالعه‌ی تاریخ نهایند پیش از اسلام و در کنار دین زرتشتی که اکثریت قاطع را به خود جذب نموده بود، در می‌یابیم که همواره اقلیت‌های دینی در این منطقه با آزادی زندگی می‌کرده‌اند. چنان‌که بعد از اسلام نیز در کنار مسلمانان، همواره، اقلیت‌های یهودی، زرتشتی، صابین و دیگران با آسایش زندگی می‌کرده‌اند.

بعد از اسلام تحولات فراوانی در نهایند به وجود آمده که یک بخش از آن جنبه‌ی

دینی و مذهبی داشته است. آنچه قابل انکار نیست این است که مردم مسلمان نهاوند طولی نمی‌کشید که به مذهب شیعه تمایل نشان می‌دهند و کم‌کم این شهر به عنوان یکی از مراکز شیعه‌نشین شناخته می‌شود. به عنوان نمونه حمدالله مستوفی در کتاب *نزهة القلوب* (۱) گزارش داده که نهاوند یکی از مراکز تجمع شیعیان امامیه بوده است. این کتاب در سال ۷۴۰ هجری تألیف شده است. بنابراین قطعاً هفتصد سال پیش، نهاوند به عنوان یکی از شهرهای شیعه‌نشین معروف بوده است.

حال به این پرسش بپردازیم که چرا همواره در دوران بنی عباس اکثر مسلمانان ایران از جمله مردم نهاوند به «مشبّه و مجسمه» - که بیشتر دو اصطلاح کلامی است - متهم می‌شدند.

می‌دانیم مکتب‌هایی کلامی از قرن‌های دوم و سوم هجری رو به گسترش داشته‌اند. این مکتب‌ها بر اساس عقل و دلایل منطقی به بحث از اصول دین می‌پرداختند و بزرگان آن به نام متکلمین شناخته می‌شدند. به این مکتب‌ها اصطلاحاً «مذهب» نیز می‌گفتند، که مقصود مکتب فکری و عقیدتی بود و از آن (مذهب) دین و شاخه‌های آن اراده نمی‌شد. اصولاً ما یک مذاهب اسلامی داشتیم که عبارت بودند از: حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، امامی، شیعی و ...، و یک مذاهب کلامی که عبارت بودند از: معتزله، اشاعره، مرجئه، مشبّه، مجسمه و ... و این‌ها دو مقوله‌ی جدا از هم هستند.

در مطالعه‌ی منابع کلامی در عصر عباسی به بحث درباره‌ی مشبّه و مجسمه می‌رسیم. چنان‌که مبلغان رسمی حکومت عباسیان، مخالفان خود را، از جمله علویان و طرفداران عترت پیامبر(ص) را به چنین اعتقادی منسوب می‌کردند تا مردم را از آن‌ها بر حذر دارند. مقصود آن‌ها این بود که بگویند افرادی از دین اسلام منحرف شده‌اند زیرا خداوند را شبیه به انسان‌ها و یا تجسم یافته در انسان‌ها می‌دانند. گاهی به این افراد حلولیه

نیز می‌گفتند (یعنی خداوند در فردی خاص حلول کرده است). این نسبت‌های ناروا در واقع ریشه‌ی حکومتی و سیاسی داشته است و نمی‌توان و نباید به استناد آن عقیده و مذهب مردم منطقه را تعیین و معرفی کرد.

شهرستانی (متوفی ۵۴۸ هجری) می‌نویسد: «مشبّه» شیعیانِ غالی هستند. (۱) چنان‌که در منابع دیگر، پیروان مذاهب معتزله، اشاعره و دیگران را نیز به مشبّه منسوب کرده‌اند. در طول تاریخ بعد از اسلام تهمت‌های دیگری نیز به شیعیان علی (ع) وارد کرده‌اند مانند: قرامطه، اباجیه، غالیه و غیره که اغلب جنبه‌ی سیاسی و تبلیغاتی داشته و برای سرکوب کردن مخالفان خود بوده است. امویان و عباسیان به همین منظور مذاهب فقهی متعددی را نیز به راه انداختند تا شیعه را که اسلام اصیل است، به عنوان یک مذهب در کنار ده‌ها مذهب دیگر معرفی کنند.

خرمَدینان در نهاوند:

خرمَدینی را نمی‌توان صاحب یک دین جداگانه به شمار آورد. اگرچه اغلب، آن‌ها را مزدکی دانسته‌اند.

مردم نهاوند در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس از نهضت‌های خرمَدینی که با هیئت حاکمهٔ عرب در ستیز بودند، حمایت می‌کردند و این حمایت جنبه‌ی سیاسی داشت و دلیلی نداریم که مردم نهاوند را متمایل به دین مزدک قلمداد کنیم. «مطهر مقدسی» مؤلف قرن چهارم هجری ادعا کرده است که در نهاوند و منطقه جبل و ماسبذان جماعت عظیمی از خرمَدینان زندگی می‌کنند. «ابن اثیر» در الکامل آورده که مردم نهاوند از قیام بابک خرمَدین حمایت کرده‌اند. پطروشفسکی نیز می‌نویسد: «در قرن چهارم هجری هنوز عده‌ی کثیری زرتشتی در ایران می‌زیستند. حتی در قرن چهارم هجری در جبل (منطقه‌ی

نهاوند و ...) هم دیده می‌شدند.»^(۱) ماجرای تاریخی خرم‌دینان به بحثی جداگانه نیاز دارد، اما از نظر مذهبی، «مسعودی» ادعا کرده است که باید خرمیه را از نظر دینی، مزدک‌گرایی جدید بدانیم. برخی نیز سرخ‌جامگان، سرخ‌علمان و مَحمره را همان خرمیه می‌دانند و برخی بین آن‌ها تفاوت قائل می‌شوند. این اختلاف نظر و ابهامات در اثر تداخل جنبه‌ی تاریخی با جنبه‌ی مذهبی این جنبش به وجود آمده است.

نهضت خرمیه، جنبشی وسیع در بخش مرکزی ایران آن‌روزگار بود و محدوده‌ی آذربایجان، طبرستان، عراق عجم (از جمله نهاوند) را شامل می‌شد. ایرانیانی که به عنوان شعوبه شناخته شده‌اند با هدف مبارزه با تبعیض و سلطه‌ی بنی‌عباس و حاکمانش، این نهضت را برپا کردند. از این‌رو از سوی مرکز خلافت همواره به آن‌ها تهمت ملحد، قرمطی، مزدکی و غیره می‌زدند. طبری (ج ۳ ص ۳۳) در تاریخ خود به این مطلب اشاره کرده اما توضیح مناسبی نداده است. احتمال دارد خرمیه از نام خرّمه همسر مزدک یا از نام روستای «خرم» و یا از نام بابک و دین خرم که همان دین مزدک است گرفته شده باشد. دینی که برای نجات محرومان و تحقق عدالت اجتماعی آمده بود. قیام بابک حدود سال ۲۰۰ قمری آغاز شده و تا سال مرگ او یعنی ۲۲۳ قمری ادامه داشته است. این نهضت بعد از مرگ بابک، هم‌چنان به نام او ادامه یافته و منطقه‌ی نهاوند را نیز فراگرفته است.

بنابراین سخن این نیست که مردم نهاوند به دین مزدک روی آورده‌اند، بلکه حقیقت این است که آن‌ها برای مبارزه با ستمگری‌های بنی‌عباس به قیامی حق طلبانه دست زده‌اند. توضیح این‌که با پیروزی لشکر اسلام در حمله‌ی نهایی به نهاوند در سال ۲۱ هجری و جنگ فتح الفتوح، تمامی اراضی و املاک ایرانیان به تصرف آن‌ها درآمد. با روی کار آمدن حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس و اعمال سیاست‌های ستمگرانه، ایرانیان به شدت مورد ظلم و ستم آنان قرار گرفتند. در نتیجه مردم حق‌جوی ایران به قیام‌های متعددی

دست زدند که یکی از آن‌ها قیام بابک خرّم‌دین بود. وی مدت بیست سال در مقابل لشکر مأمون و عباسیان مقاومت کرد. ^(۱) این قیام در ایام خلافت معتصم خلیفه‌ی عباسی شکست خورد. بابک در سال ۲۲۳ هجری در سامرا به دار آویخته شد. بنابراین نهایند یکی از مراکز عمده‌ی نهضت‌های مردمی علیه ستمگران بوده است. در عین حال این قیام‌ها به معنی پذیرش دین جدید نبوده است.

اسماعیلیه در نهایند :

حضرت امام صادق (ع) پسری به نام اسماعیل داشت که در زمان زندگانی آن امام وفات نمود و امام صادق (ع) امامت بعد از خود را به فرزند چهارمش امام موسی کاظم (ع) واگذار نمود. اسماعیل پنج سال پیش از وفات پدرش در سال ۱۴۵ هجری درگذشت. اسماعیلیه گروهی از مسلمانان هستند که به امامت اسماعیل (به جای امام کاظم علیه السلام) قائل هستند و بعد از او محمدبن اسماعیل را امام می‌دانند. آن‌ها این عصر را دوره‌ی «امامان مستور» می‌دانند. محمدبن اسماعیل از طرف خلیفه‌ی عباسی تحت تعقیب بود. وی مدت‌ها مخفیانه نزد طرفداران خود و در شهرهای مختلف زندگی می‌کرد.

یکی از داعیان و بزرگان مذهب اسماعیلی در شهر نهایند زندگی می‌کرد و «منصور بن حوشب» نام داشت. منصور در شهر نهایند به تبلیغ مذهب اسماعیلیه پرداخت و از قلعه‌ی تاریخی نهایند به عنوان پناهگاهی برای دفاع از بزرگان اسماعیلی استفاده می‌کرد. این مطلب را در کتاب طائفة الاسماعیلیه از دکتر محمد کامل حسین (ص ۱۴) و دیگر منابع می‌خوانیم. به عنوان نمونه دکتر مشکور می‌نویسد:

«محمد بن اسماعیل با برادرش از مدینه به کوفه آمد و در آنجا مدتی پنهان

۱ - تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، فرای، ترجمه‌ی حسن انوشه، امیرکبیر، ۱۳۶۳ تهران، ج ۴،

می زیست و فرزندی به نام عبدالله پیدا کرد و از کوفه به ری رهسپار گشت . سپس از بیم تعقیب مأموران خفیه‌ی خلیفه به قلعه‌ی نهاوند رفت و در نزد منصور بن حوشب پنهان شد.^(۱)

اسماعیلیه در نهاوند و در دیگر شهرهای ایران هیچ‌گاه طرفداران اعتقادی فراوان نیافت و اگر مردم از قیام‌های آن‌ها پشتیبانی می کردند ، بیشتر جنبه‌ی سیاسی داشت تا جنبه‌ی مذهبی و برای مبارزه با ظلم و ستم بنی عباس بود .

مذهب در نهاوند :

بعد از فتح نهاوند در سال ۲۱ هجری ، این شهر یکی از مراکز مهم اسلامی به شمار آمده و مردم حق جوی نهاوند ، تحقق آرمان‌های خود را در اجرای احکام اسلام دانستند و با شناخت و ارادتی که تدریجاً به خاندان رسول خدا (ص) حاصل کردند در عداد شیعه‌ی امامیه قرار گرفتند و شهر نهاوند یکی از مناطق شیعه نشین در جهان اسلام شناخته شد . ظهور دانشمندان و علمای بزرگ شیعی در نهاوند ، بیانگر عظمت معنوی این شهر و پای‌بندی عمومی مردم به شیعه‌ی دوازده امامی است .

ابوالعباس النجاشی که در سال ۴۵ هجری وفات نموده کتابی راجع به بزرگان شیعه نوشته است . از جمله در معرفی علما و راویان حدیث طراز اول و برجسته ، به طرح چند شخصیت نهاوندی مانند ابراهیم بن اسحق و ابواسحاق الاحمری النهاوندی پرداخته است . ابواسحاق صاحب آثاری چون کتاب الصّیام ، کتاب المتعه ، کتاب الدّواجن ، کتاب جواهر الاسرار ، کتاب المآکل ، کتاب الجنایز ، کتاب النوادر ، کتاب الغیبه ، کتاب مقتل الحسین (ع) ،

۱ - مشکور ، محمد جواد ، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی ، انتشارات اشراقی ، ۱۳۶۲ تهران ،

کتاب العدد و کتاب نفی ابی ذر بوده است. (۱)

با مطالعه‌ی کتب رجال در می‌یابیم که از قرن دوم هجری تا کنون سلسله‌ی بزرگی از دانشمندان شیعی نه‌اوندی پرورش یافته‌اند. نگارنده در کتاب آشنایی با شهر تاریخی نه‌اوند به معرفی تعدادی از آن‌ها پرداخته است. این علمای بزرگ بهترین دلیل بر اثبات پای‌بندی عمومی مردم نه‌اوند به مذهب تشیع است. بی‌شک حضور و استمرار خانواده‌هایی متدین و مؤمن با سابقه‌های طولانی لازم بوده است تا چنین مجتهدان و دانشمندانی را به جهان اسلام تقدیم نمایند. این علما اغلب مجبور به مهاجرت می‌شدند و در شهرهای مهم علمی جهان استقرار می‌یافتند.

اگر امروزه شاهد احساسات نیرومند مذهبی مردم در این شهر هستیم و می‌بینیم که در مراسم مختلف دینی همواره پیشگام و پیشرو هستند، به دلیل چنین سابقه‌ی محکم و استواری است. مساجد و حوزه‌های علمیه‌ی نه‌اوند همواره یادآور علمایی مجتهد و پرهیزگار است که صادقانه به تربیت مذهبی نسل‌های جوان دیروز و امروز همت گماشته‌اند. اگر شاهد هستیم که در شهر و روستاهای نه‌اوند شکل‌های مذهبی و هیئت‌های دینی در برگزاری مراسم گوناگون اسلامی و شیعی نقش فعال دارند و یا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و هشت سال دفاع مقدس عده‌ی زیادی به شهادت رسیدند و یا جانبا‌ز شدند، ثمره‌ی تلاش این بزرگان بوده است.